

دریچه

اکران یابیزی سینماها

● گروه هنر: تعطیلات چندروزه سینماها را نمی‌توان روی فروش فیلم‌ها بی‌تأثیر دانست، اما به نظر می‌رسد اکران‌های تازه سینماها آنچنان‌که باید نتوانستند مخاطبان زیادی را با خود همراه کنند. فیلم سینمایی «خانم پایا»، به کارگردانی عبدالرضا کاهانی، چندروزی است به اکران رسیده و عوامل این فیلم سینمایی تصمیم گرفته‌اند تا از شعار «این فیلم کم‌دی نیست» در تبلیغات آثارشان استفاده کنند. رضا عطاران، حمید فرخ‌نژاد و امین حیایی بازیگران اصلی این فیلم سینمایی هستند. با گذشت چند روز از اکران این فیلم، حمید فرخ‌نژاد بعد از مواجه‌شدن با انتقاد برخی مخاطبان درباره فیلم در صفحه اینستاگرامش نوشت: «فیلم سینمایی «خانم پایا» ساخته کارگردان ارزشمند کشورمون رضا کاهانی به روی پرده رفته، همان‌گونه که از طرف تهیه‌کنندگان محترم عنوان شده این فیلم وجاهت طنز ندارد ولی متأسفانه به دلیل نوع تبلیغات، توقع یک فیلم طنز برای مخاطب به وجود آمده که متأسفانه موجب عدم رضایت بعضی از تماشاگران را به وجود آورده، لازمه تاکید مجدد کنم این فیلم طنز نیست و منم تهیه‌کننده فیلم نیستم».
بالبین حال باید منتظر ماند و دید در ادامه اکران سهم این فیلم از گیشه چه خواهد بود. فیلم سینمایی «گرگ‌بازی»، به کارگردانی عباس نظام‌دوست، دیگر اثر سینمایی است که مدتی است به اکران رسیده و می‌توان گفت تجربه متفاوتی در میان دیگر گزینه‌های اکران سینماهاست. «گرگ‌بازی» روایت‌کننده داستان چند دوست قدیمی است که یک شب در خانه موروثی یکی‌شان جمع می‌شوند که با ورود میهمانان، تازه‌وارد به جمع، ماجراهای عجیبی رخ می‌دهد. علی صف‌ا هانیو،توسلی، نگار جواهریان، سهیلا گلستانی، سعید چنگیزیان، مهسا علافر، فهیمه امن‌زاده، احسان گودرزی، امیرحسین قدسی و حمید پورآذری از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. این فیلم سینمایی نیز در هفته‌های نخست اکران با شیب ملایمی در فروش پیش می‌رود. اما شاید بتوان یکی از بحث‌برانگیزترین فیلم‌های حال‌حاضر سینما را فیلم «لس‌آنجلس- تهران» نامید؛ فیلمی که از روزهای نخست نمایش در سینماها، اعتراض و انتقاد برخی از تماشاگران را در پی داشت و در برخی موارد بازیگران این فیلم را وادار کرد تا در واکنش به آنچه درباره فیلم نقل می‌شود، اظهارنظر کنند. پرویز پرستویی در گفت‌وگویی درباره این فیلم سینمایی گفت: «ما در سینما شاهد فیلم‌های کم‌دی خوبی بودیم مانند اجاره‌نشین‌ها و مازمولک که هم‌زمان باعث می‌شد بیننده با روحیه‌ای شاد سینما را ترک کند، اما فیلم از لحاظ فیلم‌نامه و تفکر نیز نمره قابل‌قبولی می‌گرفت. کم‌دی لس‌آنجلس- تهران با شکم‌کمی‌ای که فیلم‌های دیگری پیش از این



نمایش موزیکالی که می‌رود از کسانی که داستان مبارزه طبقاتی را بازگو می‌کنند، میلیاردر بسازد

تئاتر همیلتون: چکامه‌ای هیپ‌هاپ برای دموکراسی و مهاجرت



همان‌قدر که درباره مهاجرت، نژاد، مذهب و طبقه است، در مورد سیاست، جنگ و عشق نیز هست. انتخاب بازیگران خود گویای همه‌چیز است: نقش تمامی پدران بنیان‌گذار بریتانیایی سفیدپوست توسط اقلیت‌های نژادی بازی می‌شود. درمقابل، حاکمان بریتانیایی، از جمله شاه ادوارد دوم و اشراف‌زادگان دنیای قدیم، در هیئت بازیگرانی سفیدپوست و با کبکبه و دبدبه‌ای کاریکاترگونه، بر صحنه ظاهر می‌شوند. انقلاب آمریکا در متن یک موسیقی انقلابی انعکاس می‌یابد- در هیئت بازیگرانی سفیدپوست و با کبکبه و دبدبه‌ای هیپ‌هاپ، سول، جاز، رپ و آر اند بی - که میراث‌داران و سرچشمه هنر موزیکال آفریقایی- آمریکایی به شمار می‌آیند. آرون بار که ابتدا دوست همیلتون و در نهایت دشمن فراموش‌شده‌ای از کارائیب‌ها کرده است که می‌کند که ایالات متحده جدید را به عرصه تقابل بین دیدگاه‌های سیاسی متفاوت این دو مرد تبدیل می‌کند، داستان زندگی همیلتون را در این عبارات آهنگین، خلاصه می‌کند: «چگونه می‌شود که یک فرزند نامشروع، یک یتیم، یک اسکاتلندی که مشیت الهی او را در میانه نقطه فراموش‌شده‌ای از کارائیب‌ها کرده است که فلاکت رمق از او ستانده است، سر از British America درمی‌آورد و تا آنجا پیش می‌رود که به‌ه یک قهرمان آمریکایی و یک دانشمند بدل می‌شود؟» اما این دیدگاه به خودی خود نمی‌تواند توضیح‌دهنده موفقیت خارق‌العاده این نمایش موزیکال باشد، حتی اگر

در زمانه‌ای زندگی‌کنیم که مهاجرت به یک شعار سیاسی وحدت‌بخش [political rallying call] در ایالات متحده اروپا تبدیل شده و عکس‌العملی تند نسبت به دوران حکمفرمایی پول شکل گرفته باشد؛ دورانی که پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و جان‌گرفتن دوباره چین، جهان را در نوردیده است. «همیلتون» به شکلی بی‌نقص موسیقی هیپ‌هاپ را با موسیقی نمایشی تلفیق می‌کند که این به نوبه خود ابتکاری انقلابی است. موسیقی، ترانه‌ها، رقص‌پردازی، صحنه‌آرایی، میزانشن، لباس‌ها، آوازها، بازی‌ها و مهم‌تر از همه تنظیم‌های موسیقایی، همه‌وهمه حقیقتا درجه‌یک است. تماشاگران با نمایش ارتباط برقرار می‌کنند و مفتون آن می‌شوند؛ نمایشی به تمام معنا خلاقانه و سرگرم‌کننده.داستان جنگ طبقاتی به کنار، «همیلتون» یک نیروی اقتصادی بزرگ و یک ماشین پول‌ساز واقعی نیز بوده است. چنین نمایش‌های موزیکالی در هر نسل فقط یک‌بار به عرصه ظهور می‌رسند؛ مثل قایق نمایش (۱۹۲۷)، داستان وست‌ساید (۱۹۵۷)، مو (۱۹۶۸)، گریز (۱۹۷۱) و سونی‌تا (۱۹۷۹). پس از نزدیک به ۴۰ سال سیطره مطلق موزیکال‌های لرد اندرو لوید ویر، سر کامرون مکینتاش و سایر نوابغ بریتانیایی موزیکال در وست‌اند لندن، «همیلتون» بازگشتی به موزیکال‌های موفق آمریکایی پرورش‌یافته در برادوی نیز به شمار می‌آید. نوشتن این نمایش شاید شش سال طول کشیده باشد،

۲ دهه اجرای «کلفت‌ها» ی‌ژان ژنه در تهران

از رفیعی تا علیزاد

ژنه بر اساس نوع زندگی که خود- یا سرنوشت - برایش رقم زده همواره سعی می‌کند نفرت و انزجار خود نسبت به بی‌عدالتی‌های حاکم بر روابط انسان‌ها را به تصویر بکشد و عمیقان آدم‌هایی را نشان دهد که در برابر این بی‌عدالتی‌ها از خود واکنشی نشدید - و در بیشتر موارد جنون‌آمیز- نشان می‌دهند و بر این نظام می‌شورند.

اجراهای دهه۸۰

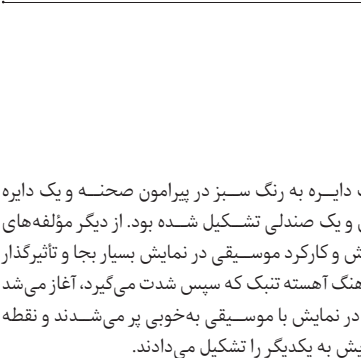
نمایش کلفت‌ها در ایران نیز اجراهای مختلفی را تجربه کرده است که در این بین اجرای دکتر علی رفیعی بیش از دیگران شناخته می‌شود؛ اجرایی که نسبت به توش‌وتوان این کارگردان شهر چندان هم نمی‌توانست رضایت‌بخش باشد. در نقدی آمده است: در اجرای علی رفیعی، او می‌کوشد این ویژگی تئاتر ژنه را بر صحنه چارسو جان ببخشد، اشیای نمایش در اجرای رفیعی به شکلی خودنمایانه اندک است، او حتی از کنجه، کلید، تلفن و ساعت شمطاه‌دار که عناصر کلیدی درام کلفت‌ها و پیش‌برنده ماجرااند، استفاده نمی‌کند؛ به‌عوض صحنه را بی‌دریغ با آینه‌های گردان آینه‌بسته می‌کند. آینه‌های گردان او تماشاگران را از این‌سو به عمق نمایش می‌برد. جایگاه آنان را عوض می‌کند و خودشان را به خودشان می‌نمایند و صحنه‌آرایی علی رفیعی آشکارا در جهت زنده‌ساختن ایده ژنه است. نکته مهم این‌جاست که ما از طریق آینه درعین‌حال با فاصله و حفظ هویت خود به‌عنوان تماشاگر- در آن شرکت می‌کنیم. حفظ فاصله نکته اساسی این شرکت است، گویی ما از دور به صحنه و به خود و به بازیگران نیز که چه‌اش تمثیلی از ما هستند، چشم دوخته‌ایم. اجرای دیگری هم در سال ۱۳۸۱ به کارگردانی محمد عاقبتی روی صحنه رفت. عاقبتی بیشتر به‌دنبال همان قساوتی است که می‌تواند این متن را متبلور کند. در تالار خورشید، عاقبتی «کلفت‌ها» را اجرا کرد و در این تگنای سالن می‌توانست حس و حالت یک زیر شیروانی و محل زندگی دو کلفت را تداعی بخشد و در عین حال بازیگران بسیار خشن و بی‌رحم‌تر دیگر را دفع می‌کردند و می‌شد عقده‌مندی‌شان را نسبت به خانم بسیار درد کرد.

نمایش «خبر، شکر، کلفت‌ها» نیز برداشتی از این متن ژنه است که به کارگردانی مهدی مشهور در سال ۸۷ اجرا شد. مهدی مشهور در بازخوانی از این نمایش‌نامه که با نام خبر، شر، کلفت‌ها در خانه کوچک نمایش روی صحنه رفت. او سعی کرده بود، به نزدیک‌شدن به درونمایه اصلی نمایش‌نامه، برداشت شخصی و پرداخت نهایی خود را نیز از نمایش‌نامه ارائه دهد، بر همین اساس در طراحی شکل و فرم نمایش بر عناصر بومی تاکید کرده تا ارتباط مخاطب را با نمایش‌نامه مستحکم‌تر کند. ترکیب‌بندی



اما برای موفقیت آن، تنها یک شب اجرا و انتشار نقد‌های ستایش‌آمیز در صبح آن روز، کافی بود. این نمایش اکنون هفته‌ای ۵/۱ میلیون دلار درآمد دارد و با ادامه همین روند، فقط از فروش نیویورک، درمجموع یک میلیارد دلار درآمد کسب خواهد کرد. این نمایش از زمان شروع اجراهای خود، ۱۶ نامزدی جایزه تونی (کسب ۱۱ جایزه)، یک جایزه گرمی و یک جایزه پولیتزر برای درام را به دست آورده است. سود خالص اجراهای لندن اکنون از مرز صد میلیون پوند در سال گذشته است. همه این‌ها به معنای سود ۷۰۰ درصدی سرمایه‌گذاران و جریان پایدار درآمدهای آینده از فروش محصولات مرتبط با بازاریابی و همچنین نمایش و اجرا در خارج از مراکز اصلی تئاتر در لندن و نیویورک، از جمله درآمدهای شروع اجراها در شهرهای رده دوم، مانند پاریس و لس‌آنجلس، خواهد بود. داستانی که درباره مبارزه طبقاتی است، می‌رود از کسانی که داستان مبارزه طبقاتی را بازگو می‌کنند، میلیاردر بسازد.

با آنکه این نمایش در هر دو سوی اقیانوس اطلس به یک اندازه موفق بوده است، مخاطبان بریتانیایی دیدگاه خاص خود را در این‌باره داشته‌اند. سعه صدر، لطافت طبع و حس طنز بریتانیایی‌ها موجب شده است که تماشاگران بتوانند به خودشان که به شکل شخصیت‌های منفی بسیار اغراق‌شده به تصویر درآمده‌اند، بخندند و البته به نظر می‌رسد که مانند هر موضوع دیگری در بریتانیای امروز، همه‌چیز با دلیل یا بدون دلیل، به برگزیت ارتباط پیدا می‌کند. همیلتون اسکاتلندی بوده است و اسکاتلند، برخلاف انگلستان و ولز، به برگزیت رأی منفی داده است. برای این گروه از تماشاگران، شاه جورج سوم ناگهان و به شکلی کتایه‌آمیز، بیشتر شبیه پرزیدنت ترامپ شده است، تا ملکه الیزابت دوم یا ترزا می، نخست‌وزیر دوران برگزیت. این نسخه تخیلی از شاه جورج سوم، چنین می‌سراید: «من دوستان و خانواده تو را خواهم کشت، تا عشقم را به تو بیاورم و شده باشم؛ من یک گردان کاملاً مسلح را گسیل خواهم کرد، تا عشقم را به تو بیاورم شده باشم». این البته دقیقاً نقطه مقابل این چیز است که پرزیدنت ترامپ اظهار می‌دارد، چراکه او می‌خواهد به دلایل اقتصادی از نقش آمریکا در حفظ صلح جهانی بکاهد. اگر حفظ صلح جهانی مستلزم ارسال گردان‌های نظامی باشد، اما این نیز هست که تماشاگران همیشه به دمدمی مزاج‌بودن شناخته شده‌اند.



ساده صحنه از یک دایره به رنگ سبز در پیرامون صحنه و یک دایره

قرمزرنگ در مرکز آن و یک صندلی تشکیل شده بود. از دیگر مؤلفه‌های

اجرای مشهور، نقش و کارکرد موسیقی در نمایش بسیار بجا و تأثیرگذار

بود. نمایش با ضرباهنگ آهسته‌تنبک که سپس شدت می‌گیرد، آغاز می‌شد

و خلاهای سکوت در نمایش با موسیقی به‌خوبی پر می‌شدند و نقطه

اتصال پرده‌های نمایش به یکدیگر را تشکیل می‌دادند.

اجراهای دهه۹۰

سالان‌ناظرزاده مجموعه ایران‌شهر در هفمین روز از سی‌وسومین جشنواره تئاتر فجر (۱۳۹۳) میزبان نمایش «کلفت‌ها» به کارگردانی دانیال نمازی بود؛ نمایش‌نامه شناخته‌شده ژان ژنه با رویکردی نسبتاً تازه. اجرای نمازی اپرایی بود که به شیوه اپیک روی صحنه رفت. مهتاب صفدری، منتقد، درباره اجرای نمازی معتقد است: یکی از نقاط درخشان «کلفت‌ها» بازی در بازی‌بودن است. گاهی سولازژ و کلر به جای یکدیگر بازی می‌کنند و گاه به نقش مادام درمی‌آیند. «کلفت‌ها» با تقلید رفتار ارباب بورژوازی خود، خاتانه‌ای او را به درون خود می‌برد. همه‌چیز دغل‌آمیز و فریب‌آلود است یا به‌تعبیری نزدیک‌تر به افکار ژنه: حقیقت آنان، دروغ آنان و دروغ آنان، حقیقت آنان است. هیچ قطعیتی در کار نیست و این مستقیماً از نوع نگاه نویسنده به جهان هستی نشئت می‌گیرد. اجرای نمازی البته این بازی در بازی‌بودن در به شکل دیگری ارائه می‌دهد. درواقع هر دو کاراکتر کلر و سولازژ هنگامی که قرار است به نقش خانم و کلفت دربیایند، از سوی دو بازیگر غیر از بازیگران آن دو نقش اجرا می‌شوند. در واقع در اجرای نمازی دو کلر و دو سولازژ وجود دارد. هنگامی‌که کلفت‌ها بازی خانم-کلفت را آغاز می‌کنند دو بازیگر دیگر به کار- معمولاً پاک‌کردن زمین- می‌پردازند و درواقع نه تنها از صحنه حذف نمی‌شوند، بلکه انگار هر چقدر هم بخواهند تقلید دیگری -در- اینجا خانم- را انجام دهند باز هم در اصل همان کلفت‌ها هستند و هیچ گریزی از سرنوشت برایشان وجود ندارد. همچنین مهرداد هنرمندی نیز در این نمایش‌ها از ۲۴ تا ۳۰ بهمن ۱۳۹۴ به روی صحنه برد. در سال ۹۵ یک اجرای متفاوت از این متن در تالار انتظامی اجرا شد. مریم مالمر، کارگردان، نمایش «خواهران پاپن» را بر اساس «کلفت‌ها» ی ژنه کار کرد. در واقع وقتی او نمایش‌نامه کلفت‌ها را بررسی می‌کرد، فهمید اثر کلفت‌ها بر اساس داستان واقعی است و این امر برایش خیلی جذاب شد. به همین دلیل تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام داد تا براساس داستان واقعی به متن فکلی‌اش رسید. البته یکی دیگر از جذایب‌های این متن این بود که چطور مردمی است و فرد به‌ظاهر آرام، یکباره تبدیل به قاتل شوند. این موضوع به‌نوعی زمینه‌جامعه‌شناسی هم دارد، چراکه وقتی به اطراف‌مان نگاه می‌کنیم با افرادی روبه‌رو می‌شویم که به‌ظاهر زندگی آرامی دارند، اما ممکن است عقده‌های درونی‌شان آنها را به ورطه نابودی بکشاند. او سعی کرد دیالوگ‌ها براساس متن ژان ژنه باشد، اما تقریراتی هم بر حسب بازی بازیگران ایجاد کرد. مالمر در سال ۸۶ وقتی در کلاس‌های استاد سمندریان اتود این نمایش‌نامه را می‌زد، حمید سمندریان مدام این متن را یکی از سخت‌ترین نمایش‌نامه‌ها می‌خواند.

این روزها

علاقه‌مندان برای دیدن نمایش «کلفت‌ها» به کارگردانی علیزاد که هر روز، غیر از شنبه‌ها، ساعت ۱۸:۳۰ به صحنه می‌رود، می‌توانند به مرکز تئاتر مولوی دانشگاه تهران به نشانی خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، جنب باشگاه دانشجویان، مرکز تاتر مولوی مراجعه کنند.

زیر آسمان فیروزهای

«جنگ سرد»، «مرز» و «مرد سگی» پیشتاز جوایز فیلم اروپا شدند

● گروه هنر: آکادمی فیلم اروپا اسامی نامزد‌های این دوره جوایز فیلم اروپا را اعلام کرد. ملودرام سیاه‌وسفید «جنگ سرد» (Cold War)، به کارگردانی پاول پاولیکوفسکی از لهستان، با نامزدی در پنج بخش شامل بهترین فیلم اروپا، بهترین کارگردان، بهترین بازیگر زن (یوانا کولیک)، بهترین بازیگر مرد (توماش کوت) و بهترین فیلم‌نامه‌نویس (پاولیکوفسکی) پیشتاز نامزد‌های سی‌ویکمین دوره جوایز فیلم اروپاست که برندگان آن ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) در سوپا (سوئد) در اسپانیا معرفی می‌شوند. «جنگ سرد» اولین‌بار در دنیا امسال در بخش مسابقه رسمی هفتادویکمین جشنواره کن روی پرده رفت و پاولیکوفسکی، فیلم‌ساز بریتانیایی متولد ورشو، جایزه بهترین کارگردان را برد. پاولیکوفسکی ۶۰ ساله در ۲۰۱۵ برای فیلم لهستانی سیاه‌وسفید «ایدا» که ماجراهای آن فیلم نیز در عصر کمونیستی اتفاق می‌افتد، برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان شد که تنها جایزه لهستان در این بخش است. فیلم ایتالیایی «مرد سگی» (Dogman)، به کارگردانی ماتیو گارونه، فیلم سوئدی «مرز» (Border)، به کارگردانی علی عباسی، کارگردان و نویسنده ایرانی مقیم دانمارک و «شاد مثل لاتزارو» (Happy as Lazzaro)، به کارگردانی آلیس روزرواچر، کارگردان ایتالیایی، هر یک با چهار نامزدی، بعد از «جنگ سرد» بیشترین نامزدی را در جوایز فیلم اروپا کسب کرده‌اند. هر سه فیلم به همراه فیلم بلژیکی «دختر» (Girl) به کارگردانی لوکاس هونت، نامزد‌های بخش بهترین فیلم اروپا را تشکیل می‌دهند. به‌جز پاولیکوفسکی، دیگر نامزد‌های بخش بهترین کارگردان شامل عباسی، کارونه و روزرواچر و مهمان‌طور ساموئل مانوز برای فیلم اسرائیلی «فوکس‌تروت (Foxtrot)» هستند. عباسی، کارونه، روزرواچر و گوستاو مولر، نویسنده و کارگردان فیلم دانمارکی «گناهکار» (The Guilty)، در کنار پاولیکوفسکی در بخش بهترین فیلم‌نامه‌نویس نیز نامزد شده‌اند. فیلم‌های «دختر» و «گناهکار» هرکدام سه نامزدی به دست آورده‌اند. هر دو فیلم در بخش جایزه کشف (دیسکاور) نیز نامزد هستند. در میان نامزد‌های بهترین فیلم اروپا، فیلم‌های «جنگ سرد»، «مرد سگی»، «مرز» و «دختر»، امسال نماینده کشورهای خود در بخش اسکار هستند. فیلم خارجی‌زبان نخست. حدود سه‌هزارو ۵۰۰ عضو آکادمی فیلم اروپا برندگان اصلی سی‌ویکمین دوره جوایز فیلم اروپا را انتخاب می‌کنند. برندگان بخش‌های فنی شامل بهترین فیلم‌بردار، تدوینگر و... با رأی یک هیئت داورى انتخاب می‌شوند. همان‌طور که قبلاً اعلام شد، رالف فائینس، بازیگر و کارگردان بریتانیایی، جایزه دستاورد اروپا در سینمای جهان را دریافت می‌کند. جایزه یک عمر دستاورد آکادمی فیلم اروپا به کارمن مانورا، بازیگر اسپانیایی می‌رسد. او در ۱۹۸۸ برای بازی در فیلم «ژان در آستانه فروپاشی عصبی» به کارگردانی پدرو المودور، در اولین دوره جوایز فیلم اروپا جایزه بهترین بازیگر زن را به خود اختصاص داد. سال، گذشته فیلم سوئدی «مربع»، به کارگردانی روبن اوستلوند، با دریافت شش جایزه، از جمله جایزه بهترین فیلم اروپا فاتح سی‌امین دوره جوایز فیلم اروپا شد. در فاصله ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، سه برنده جایزه بهترین فیلم اروپا شامل «عشق» به کارگردانی میشل هانکه، «زبانی بزرگ» به کارگردانی پائولو سورتنیو و «ایدا» به کارگردانی پاول پاولیکوفسکی، جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان را هم دریافت کردند.

نمایش فیلم مسعود بهارلو ۶ سال بعد از ساخت

● گروه هنر: اولین ساخته بلند سینمایی مسعود

بهارلو شش سال بعد از ساخت، به‌زودی در گروه

هنر و تجربه اکران خواهد شد. فیلم سینمایی

«جیوه»، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مسعود

بهارلو، محصول سال ۱۳۹۱ است. فیلم‌برداری

«جیوه» در بهار سال ۹۰ در تهران و کرج آغاز شد و

پروسه ساخت آن تا سال ۹۱ به طول انجامید و قرار

است، زمستان امسال پس از شش سال در گروه

سینمایی هنر و تجربه به نمایش عمومی دربیاید.

شمیم نیک‌پور، روشنفکر ایرانی، مفق‌اد اسلامی،

نازنین شیخی، محمد عمرانی، مالک سراج، مانی

باغبانی، مهدی ایل‌بیگی، مهرداد مهرکیش، نادر

پورمهرین، مسعود بهارلو، تیمور طالبی، مفرعلی

مهدوی، اعظم آخوندیار، هستی مهدوی و سودابه

بیضایی بازیگران فیلم «جیوه» هستند. کارگردان

فیلم سینمایی «جیوه» علاوه‌بر فعالیت در عرصه

مطبوعات و نقد، برنامه‌ریزی و دستبازی کارگردان

و انتخاب بازیگر در سینما را با کارگردان‌هایی مانند

سیامک شایقی، رسول ملاقلی‌پور، مهدی کرم‌پور،

عباس رافعی، دکتر علی رفیعی، علی عطشانی،

محسن دامادی، سپیده فارسی، سحر عطایان و

پوریا آذربایجانی در کارنامه کاری خود دارد و

چند نمایش را به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان

روی صحنه تئاتر برده است. در خلاصه داستان

فیلم آمده است: «شبنم، پس از سه سال حبس

بی‌ملاقاتی، از زندان آزاد می‌شود... ردی از شوهر

و فرزند کوچکش نمی‌باید... او حالا می‌تواند برای

یافتن آنها، ابرشهر تهران را زیروپر کند...».